

درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ بهمن ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۶ ربیع الاول ۱۴۳۵

جلسه: ۱۵

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف

موضوع جزئی: ۱- محمد بن سنان

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

در مورد محمد بن سنان عرض کردیم اشکالاتی نسبت به وثاقت او مطرح شده، در مقابل ادله‌ای هم دال بر وثاقت او ذکر شده که دلیل اول را در جلسه گذشته مورد بررسی قرار دادیم.

بررسی دلیل دوم:

دلیل دوم روایت اجلاء از محمد بن سنان بود، ما قبلاً در بحث توثیق عام این مسئله را مورد رسیدگی قرار دادیم که صرف روایت اجلاء از شخصی دلیل بر توثیق نیست، در صورتی روایت اجلاء دال بر توثیق است که احراز کنیم راوی از کسانی است که فقط از ثقه روایت می‌کند، چون در مورد گروهی از روای آمده که «لایروون الا عن ثقه» و در مورد عده‌ای خاص آمده که «لایروون و لایرسلون الا عن ثقه»، اگر ما بدانیم راوی از کسانی است که فقط از ثقه روایت می‌کند خود روایت از ثقه موضوعیت دارد ولی روایت اجلاء از او مستقیماً موضوعیت ندارد.

لذا باید بحث را روی این مطلب متمرکز کنیم که آیا شخص راوی از کسانی است که «لایروی الا عن ثقه» یا نه؟ در مورد محمد بن سنان چنین مطلبی ثابت نشده و ما افرادی که فقط از ثقه روایت می‌کنند را در بحث‌های گذشته نام بردیم که محمد بن سنان جزء آنها نبود لذا این دلیل نمی‌تواند وثاقت محمد بن سنان را اثبات کند.

بررسی دلیل سوم:

دلیل سوم وقوع محمد بن سنان در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی بود. این هم از مباحثی بود که در بحث از توثیقات عامه که بحث جوامع روایی را داشتیم این مسئله مورد بررسی قرار گرفت. تفسیر قمی دو بخش داشت که یک بخش آن متعلق به خود علی بن ابراهیم قمی است و بخش دیگر متعلق به غیر اوست که توثیق علی بن ابراهیم قمی افرادی را که در بخش دوم واقع شده‌اند شامل نمی‌شود چون اول کتاب، علی بن ابراهیم شهادت داده بر وثاقت کسانی که از آنها روایت می‌کند که همان هم محل بحث بود که آیا این شهادت خود علی بن ابراهیم است یا شاگردان او چنین شهادتی را داده‌اند. به هر حال چه شهادت از خود علی بن ابراهیم باشد و چه از غیر او قدر متیقن این است که نام محمد بن سنان در بخش دوم تفسیر ذکر شده که به طور کلی شهادت علی بن ابراهیم - بر فرض صحت انتساب این شهادت به او - شامل محمد بن سنان نمی‌شود.

بررسی دلیل چهارم:

دلیل چهارم روایاتی بود که در مورد محمد بن سنان وارد شده است. روایت اول روایتی بود که کشی در مورد محمد بن سنان نقل کرده بود.

ما رواه الكشي بسند صحيح عن ابيطالب عبدالله بن الصلت القمي قال: دخلتُ علي ابي جعفر الثاني (ع) في آخر عمره فسمعتَه يقول: جزى الله صفوان بن يحيى و محمد بن سنان و زكريا بن آدم عنى خيراً فقد وفوا لى و لم يذكر سعد بن سعد قال: خرجتُ و لقيتُ موقفاً فقلتُ له إن مولاي ذكر صفوان و محمد بن سنان و زكريا بن آدم و جزاهم خيراً و لم يذكر سعد بن سعد قال: فعدتُ اليه فقال: جزى الله صفوان بن يحيى و محمد بن سنان و زكريا بن آدم و سعد بن سعد فقد وفوا لى^١؛ كشي از ابن صلت قمى نقل مى كند كه گفت: من در آخر عمر امام جواد (ع) بر ايشان وارد شدم، شنيدم كه حضرت (ع) فرمود: خداوند متعال صفوان بن يحيى، محمد بن سنان و زكريا بن آدم را از طرف من جزاى خير دهد كه اينها به من وفا كردند.

محمد بن سنان معاصر سه امام (امام كاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع)) بوده است، اگر بپذيريم او داراى اشكالات فكرى بوده، عصر امام جواد (ع) دورانى بوده كه محمد بن سنان از مشكلى كه براى او پيش آمده بود عبور کرده بود. و احتمالاً رواياتى كه دال بر تضعيف اوست مربوط به آن زمانى بوده كه محمد بن سنان در مورد ائمه (ع) عقايدى پيدا کرده بود كه از اين عقايد برداشت شده او اهل غلو بوده و دوران انحرافى كه در مورد او گفته مى شود همان دورانى است كه گرفتار اين امور شده بود، ولى رواياتى كه دال بر مدح اوست مربوط به عصرى است كه از اين مشكل خارج شده است.

از جمله اين روايت كه راوى مى گويد من نوشته اى را به خط ابي عبدالله شاذانى ديدم كه مى گويد: سمعتُ العاصمى يقول: انَّ عبدالله بن محمد بن عيسى الاشعري الملقب بينان قال: كنتُ مع صفوان بن يحيى بالكوفة فى منزل اذ دخل علينا محمد بن سنان فقال صفوان: هذا ابن سنان لقد همَّ أن يطير غير مرة فقصناه حتى ثبت معنا^٢؛ عبدالله بن عيسى الاشعري مى گويد: من با صفوان بين يحيى در كوفه در يك منزلى بوديم كه محمد بن سنان بر ما وارد شد، صفوان گفت: اين ابن سنان است كه چند بار تصميم گرفته پرواز كند - كنايه از اينكه ارتفاع بگيرد و غلو كند - ولى ما با او صحبت كرديم تا اينكه با ما ماند.

پس بعضى از عقايدى كه در گذشته به عنوان نشانه غلو مطرح بوده - مخصوصاً در كلمات ابن غضائرى كه اتهام به غلو در كلماتش زياد ديده مى شود و به افراد مختلفى اين اتهام را زده كه غالى هستند و لذا آنها را تضعيف کرده - مربوط به دوران خاصى بوده ولى بعداً يا آن عقايد را كتمان و يا آنها را مرتفع کرده است. به هر حال رواياتى كه در مورد مدح محمد بن سنان وارد شده مشكلى ندارد و هيچ معارضه اى بين اين روايات و روايات دال بر تضعيف وجود ندارد.

پس به نظر مى رسد روايات دال بر توثيق محمد بن سنان خالى از اشكال است.

بررسى دليل پنجم:

دليل پنجم وقوع محمد بن سنان در اسناد كتاب نوادر الحكمة بود. وقوع در اسناد اين كتاب را فى الجملة مى توان به عنوان دليل بر وثاقت محمد بن سنان پذيرفت و حداقل اين است كه اگر اشكالى هم در آن باشد و نتوان آن را دليل بر وثاقت دانست لكن به عنوان تأييد و مؤيد پذيرفته مى شود.

بررسى دليل ششم:

١. رجال كشي، ج ٢، ص ٧٩٢.

٢. همان، ص ٧٩٣.

دلیل ششم بیان ابن طاووس و علامه در مورد محمد بن سنان بود.

توثیق ابن طاووس در مورد محمد بن سنان مورد قبول نیست و مدرک او بر توثیق این شخص روایاتی است که بعضاً از نظر سند اشکال دارد. بعلاوه اینکه بعضی از جملاتی که ابن طاووس درباره محمد بن سنان گفته چه بسا کلام معصوم (ع) نباشد بلکه نظر خودش یا دیگران را نقل کرده است، لذا توثیق ابن طاووس مورد قبول نیست. توثیق علامه هم علاوه بر اینکه معارض دارد مشکل مهمتری دارد و آن اینکه علامه از متأخرین است و توثیق متأخرین پذیرفته نیست و سندیت ندارد.

نتیجه: از بین ادله شش گانه دال بر وثاقت محمد بن سنان سه دلیل مورد قبول است:

اول: دلیل اول (مدح بعضی از اعلام علم رجال) طبق بعضی از احتمالات قابل پذیرش است.

دوم: دلیل چهارم (روایات دال بر مدح محمد بن سنان) هم مورد قبول است.

سوم: دلیل پنجم (وقوع در اسناد کتاب نوادر الحکمة فی الجملة) هم مقبول است.

بررسی ادله ضعف:

عمده دلیل تضعیف محمد بن سنان عبارت بود از کلام بعضی از بزرگان که عرض کردیم معارض دارد. قدح‌هایی هم از بعضی از بزرگان درباره محمد بن سنان وارد شده بود که عمده آنها کلام فضل بن شاذان و ابن داوود بود.

کلام فضل بن شاذان:

قال عبدالله بن حمدويه سمعتُ فضل بن شاذان يقول: «لاستحل ان اروي احاديث محمد بن سنان و ذكر الفضل في بعض كتبه ان من الكذابين المشهورين ابن سنان و ليس بعبدالله».^۱ عبدالله بن حمدويه می‌گوید: من از فضل بن شاذان شنیدم که گفت: من جایز نمی‌دانم روایات محمد بن سنان را نقل کنم، چون او از کذابین مشهور است.

در جالی دیگر آمده: «ذكر الفضل في بعضی كتبه من الكذابين المشهورين ابو الخطاب و يونس بن ظبيان و يزيد الصائغ و محمد بن سنان و ابوسمينة اشهرهم».^۲

اما اصل این روایت را که فضل بن شاذان در مورد محمد بن سنان بیان کرده محل اشکال است و سندش قابل قبول نیست، بعلاوه چهار نفری را که فضل بن شاذان به عنوان کذابین از آنها نام می‌برد از کثی نقل شده که آن چهار نفر عبارتند از: ابو الخطاب، یونس بن ظبیان، یزید الصائغ و ابو سمینه و نام محمد بن سنان را ذکر نکرده است، لذا صرف همین اختلاف که آیا محمد بن سنان از این چهار نفر کذاب مشهور به شمار می‌رود یا نه خودش دال بر این است که این کلام قابل اعتماد نیست.

یک نکته‌ای که در همه قدح‌هایی که نسبت به محمد بن سنان وجود دارد و هم در کلام نجاشی و هم در کلام شیخ طوسی آمده این است که او رمی به غلو شده است - نه اینکه نسبت کذب به محمد بن سنان داده نشده ولی آنچه بیشتر در مورد او دیده می‌شود مسئله غلوی است که او دچار آن بوده و ضعف مطلق در کلمات بزرگان دیده نمی‌شود، البته ممکن است بعضی از رمی به غلو عدم وثاقت او را استفاده کنند ولی مشکله اصلی او مسئله غلو است - اگر در این کلمات دقت شود می‌بینیم که شیخ طوسی

۱. رجال کشی، ص ۷۹۸.

۲. همان، ص ۸۲۳.

غلو را به محمد بن سنان نسبت داده است^۱، همچنین نجاشی که محمد بن سنان را متهم به ضعف کرده و از ابن عقده نقل قول کرده به این جهت بوده که ابن عقده زیدی مذهب بوده و قهراً به خاطر همین محمد بن سنان را متهم به غلو کرده است. شاهد بر این مطلب هم کلام کشی است که قول صفوان را در مورد محمد بن سنان ذکر کرده «فقال صفوان: هذا ابن سنان لقد همّ أن يطير غير مرة فقصصناه حتى ثبت معنا»^۲؛ صفوان گفت: این ابن سنان است که چند بار تصمیم گرفته پرواز کند - کنایه از اینکه ارتفاع بگیرد و غلو کند - ولی ما با او صحبت کردیم تا اینکه با ما ماند. این کلام بر یک نحوه اضطراب در مورد محمد بن سنان دلالت دارد و آن همان مسئله غلو است. از جمله مواردی که باعث شده محمد بن سنان متهم به غلو شود داستانی است که محمد سنان نقل می‌کند و می‌گوید: به چشم درد مبتلا شده بودم بعد از آن که امام جواد (ع) عنایتی کرد درد چشمم بر طرف شد. ولی چون آن زمان کرامات ائمه (ع) عقیده رایج شیعه نبوده امام (ع) هم او را از ذکر این کرامت نهی کرده بود اما او به این مسئله توجه نکرد و این کرامت را نقل کرد و همین امر باعث شد که متهم به غلو شود.

پس مهمترین مشکلی که متوجه محمد بن سنان است اتهام به غلو است و ریشه آن هم بعضی از عقاید خاصی بوده که نسبت به اهل بیت (ع) داشته که آن زمان در بین شیعه رایج نبوده است و غیر از مشکل غلو مشکل عمده‌ای برای محمد بن سنان در بین ادله مشاهده نمی‌شود.

جمع بندی:

عده‌ای قائل به عدم وثاقت محمد بن سنان شده‌اند که مشهور هم همین است از جمله اینکه مرحوم آقای خوبی هم قائل به تضعیف او شده و گفته: وجوه مادحه و وجوه قادحه مطلقند و با هم تعارض و تساقط می‌کنند لذا توثیق محمد بن سنان از این وجوه استفاده نمی‌شود. اما اگر ما تضعیف را مطلق ندانیم و منشأ تضعیف را همان مسئله غلو بدانیم می‌توانیم جانب وثاقت را ترجیح دهیم کما اینکه بعضی از بزرگان از جمله حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی (حفظه الله تعالی) خلافاً للمشهور قائل به وثاقت محمد بن سنان شده یا حداقل جانب وثاقت را بر جانب ضعف ترجیح داده است.

«والحمد لله رب العالمين».

۱. فهرست شیخ، ص ۱۶۹.
۲. رجال کشی، ص ۷۹۳.